

وجود سفارت خانه به این معنا، این است که کشورها با هم به توافق رسیده‌اند مراکز جمع‌آوری و تسهیل در ارتباطات را به طور رسمی در خاک یکدیگر داشته باشند و البته این مراکز باید در چارچوب کنوانسیون بین‌المللی ژنوودیل قوانین کشورهای مبدأفعالیت کنند. بدیهی‌ترین نمونه این موضوع را می‌توان در دوران جنگ سرد مشاهده کرد. خارج از جنگ‌های تمام‌عیار، تقابل ایالات متحده و شوروی در آن زمان را می‌توان جدی‌ترین و ماهوی‌ترین تقابل میان دو قدرت بزرگ، لااقل در تاریخ معاصر دانست. در همان سال ۱۹۷۹، ساختمانی به وسعت ۱۸/۲۴ هکتار در واشنگتن در اختیار سفارت شوروی بود؛ جایی که بزرگترین ساختمان غیردولتی در این شهر به حساب می‌آمد و اندکی از کاخ سفید هم بزرگ‌تر بود. معاهده‌ای بین دو کشور در سال ۱۹۶۷، برای مکان اصلی سفارت‌خانه‌ها امضا شد و به‌موجب آن، ۱۲/۵ هکتار زمین فدرال در واشنگتن در اختیار شوروی قرار گرفت و ۱۱/۹ هکتار در مسکو نیز برای سفارت ایالات متحده در شوروی بود. این مجموعه‌ها، بزرگترین ساختمان‌های دیپلماتیک در زمان خود به حساب می‌آمدند. در آن زمان، ساختمان اصلی سفارت ایران در آمریکا، کمتر از نیم هکتار وسعت داشت و با محاسبه‌دیگر ساختمان‌های متعلق به‌دستگاه دیپلماسی ایران در آن زمان، حتی به‌وسعت سفارت شوروی نزدیک هم نمی‌شد. مجتمع سفارت ایالات متحده در تهران نیز البته مجموعه‌بزرگی بود، با ۲۷ هکتار وسعت.

سفارت‌خانه‌های آمریکا و شوروی در خاک یکدیگر، مراکز اصلی پیگیری و اداره امور اطلاعاتی و جاسوسی بودند. این موضوع برای دو طرف، شبیه به رازی آشکار بود. آمریکایی‌ها تمرکز اطلاعاتی جدی روی سفارت شوروی داشتند، چون به‌وضوح می‌دانستند آن‌جا مرکز فعالیت‌های ضدآمریکایی در کشورشان است و شوروی‌ها نیز با قدرت سفارت ایالات متحده را زیر نظر داشتند، چون به‌وضوح خبر داشتند، ستاد مرکزی جاسوسان در مسکو همان جاست. با اطمینان خوبی می‌توان ادعا کرد این موضوع تقریباً در تمام تقابل‌ها، لااقل در میان قدرت‌های بزرگ نیز جاری بوده و هست. هیچ کدام از این‌ها باعث نشد کسی تلاش کند سفارت دیگری را حذف کند.

البته برخی از حامیان ماجرای ۱۳ آبان، موضوع را از زوایه دیگری مطرح می‌کنند: در حکومت نوپای ایران، تقریباً همه دستگاه‌های اصلی حکمرانی، شامل دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، یا تبلیعلی، یا در حال فعالیت محدود یا در حال بازسازی و پاکسازی بودند. این تحلیل نیز وجود داشت که در همان شرایط، کشورهای دوست شاه سابق و مشخصاً ایالات متحده آمریکا، کنش‌هایی در خاک ایران دارند. طبق این نظر، آن زمان ایران نمی‌توانست خیال خود را راحت بداند که با روش‌های جنگ اطلاعاتی مرسوم، از پس دستگاه جاسوسی یکی از دو ابرقدرت دنیا در خاک خود بر خواهد آمد. این تحلیل نیز چنان که شرح داده شد مطرح بود که آمریکا، اگر بتواند، شاه را برمی‌گرداند و انقلاب را به عقب می‌راند؛ پس نیاز بود اقدامی در این باره انجام شود.

البته درست است که تسخیر سفارت در آن دوران اتفاق غیرمعمولی نبود، اما روش دیگری نیز وجود داشت که به‌مراتب مرسوم‌تر بود و تبعات کنترل‌شده‌تری هم داشت و آن اخراج هیئت دیپلماتیک آمریکا از خاک ایران بود. در طول قرن بیستم، مشخصاً در حاشیه جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، نمونه‌های بسیاری از اخراج‌های این چنینی ثبت شده است و دلیل اصلی این اقدامات نیز دقیقاً همان چیزی بوده که انگیزه حمله‌کنندگان به سفارت اعلام می‌شود: جاسوسی. به عبارت دیگر، همان موقعیتی که حاکمان و انقلابیون ایران در آن زمان با آن مواجه بودند، نسخه‌ای مرسوم‌تر داشت و آن بیرون کردن نیروها با ابزارهای مرسوم بود؛ به روشی که هزینه سیاسی و دیپلماتیک کمتری داشته باشد و پیامدهای آن را راحت‌تر بتوان مدیریت کرد.

البته لزوماً از جمعی دانشجو در شرایط انقلابی نمی‌توان انتظار قطعی داشت که متوجه چنین نکاتی باشند، چه اینکه در آن دوران احساسات و هیجان انقلابی، مانند همه انقلاب‌هایی که در دنیا رخ می‌دهند، در ایران هم حاکم بود. نکته دیگر اینکه شاید عدم اقدام رسمی دولت موقت در خصوص ظن جاسوسی در سفارت آمریکا، آن‌ها را به صرافت تسخیر سفارت انداخت. ضمن اینکه در آن دوران، افکار عمومی در ایران به شدت ضدآمریکایی بود و تقریباً هیچ گروه سیاسی یافت نمی‌شد که با قاطعیت با اقدام دانشجویان در تسخیر سفارت مخالفت جدی داشته باشد. اما حقیقت این است که پیامدهای اقدام دانشجویان، تنها ساعاتی بعد از وقوع تسخیر سفارت، در کنترل آنها بود. پس از تسخیر سفارت، ماجرای آغاز شد که در ۴۴ روز به طول انجامید. شاید بتوان گفت که از اینجا به بعد دیگر دانشجویان دخالت عمده‌ای نداشتند. در سال‌های اخیر، دانشجویان شرکت‌کننده در آن ماجرا، به کرات در رسانه‌ها و افکار عمومی بابت آن اقدام مورد سؤال قرار گرفتند و این هم ناپجان نیست؛ اما کمتر کسی به این موضوع ورود کرده که چرا داستان زندانی شدن دیپلمات‌های آمریکایی اینقدر طولانی شد؟ این نیز از عجایب این ماجراست.

پیامدهای تسخیر سفارت

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، فردورین ۵۹ رولایت دیپلماتیک با ایران را قطع کرد، به دیپلمات‌های ایرانی دستور داد از ایالات متحده خارج شوند و تحریم‌هایی نیز علیه ایران وضع کرد. ارتباط ایران و آمریکا دیگر قطع‌شده باقی ماند. این تحریم‌ها نیز اولین تحریم‌هایی بود که علیه ایران وضع شدند. از همین‌جا، این پدیده به فهرست مشکلات ایران در صحنه بین‌المللی تبدیل شد و تا همین امروز هم در بالای فهرست مشکلات جا خوش کرده است. فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ کارتر، ۸/۱ میلیارد دلار دارایی‌های ایران در ایالات متحده، از جمله مبالغی را که در حساب‌های بانکی بود، بلاوه طلا و املاک دیگر را مسدود کرد. منع تجارت با ایران نیز در همین فرمان ابلاغ شد. در ماه‌های پس از آن، این تحریم‌ها

هم در قوه مجریه و هم در کنگره، مؤکد و مشدّد شدند. بخشی از این تحریم‌ها، البته در توافق الجزایر که پایان داستان گروگان‌گیری در سفارت بود، لغو شدند اما بخش‌هایی از جمله تحریم فروش تسلیحاتی، باقی ماندند. حتی آنچه در توافق الجزایر در راستای رفع تحریم، رفع مسدودیت اموال و عدم مداخله ذکر شده بود نیز به طور کامل اجرایی نشد. پس از آن در مقاطع مختلف، و به مناسبت‌های مختلف، از جمله اقدامات مربوط به نیروهای ایالات متحده، موضوع تأخیر در پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حمایت ایران از برخی گروه‌های مسلح در منطقه، برنامه هسته‌ای و غیره، تحریم‌های مختلف نفتی، تجاری، تسلیحاتی و غیره علیه ایران اعلام و اعمال شدند که در بخش اعظم نیم قرن گذشته، برقرار بوده‌اند. فقط در بازه‌ای کوتاه، پس از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، این فشار اندکی سبک شد.

روندی که با قطع ارتباط ایران و ایالات متحده آغاز شد، با همان روبه ادامه یافت و چالش‌های دیگری نیز آفرید. ایران، آن هم در وضعیت حکومتی نوپا از همان زمان، در سیبل اعمال فشار ایالات متحده قرار گرفت و بقیه جبهه غربی نیز، گاهی به میل و گاهی به اکراه، همراه این موضع بودند. کمی بعد، آمریکا و متحدانش با قدرت پشت صدام حسین، دیکتاتور عراق، در حمله‌اش به ایران ایستادند و جنگی را علیه ایران حمایت کردند که هشت سال از ده سال اول حکومت تازه انقلابی را به خود اختصاص داد. پس از آن هم فشارها ادامه داشت. تقریباً همه آنچه دستگاه دیپلماسی ایران و بلکه تجارت خارجی ایران در این سال‌ها انجام داده، با تلاش در جهت رفع تحریم و کاهش اثر فشارها بوده، یا جلب نظر دیگران به عدم همراهی با آن‌ها، یا در جهت مدیریت بحران‌های حاصل از این وضعیت. انواع برنامه‌ها و پروژه‌های همکاری اقتصادی، بانکی، تجاری، حتی دیپلماتیک و اخیراً ترانزیتی، در طول این سالیان، بدون حضور ایران یا بدون توانایی ایران برای بهره‌مندی کامل از آن‌ها پی گرفته شده‌اند. فرایند ورود فناوری‌های تازه به ایران همواره با چالش‌های فراوان همراه بوده است. در خرید تسلیحات، هفت خانی ثقیل همواره پیش روی ایران قرار داشته است. در دوران نرم‌افزار و اینترنت، همواره مسئله تحریم و قرارنداشتن ایران در فهرست مشتریان کمریسک، حتی برای محصولات رایگان، چالش برانگیز بوده است. در تعاملات ایران با کشورهای همسایه و نیز کشورهای دوروزدیک، موضوع تقابل غرب با ایران همواره مانعی به‌شدت محدودکننده بوده است. سهم ایران در طول سالیان از معادلات و معاملات، اغلب در معرض تهدید و کاهش بوده تا بهبود و افزایش. حتی کشورهایی مثل چین و روسیه نیز که ایران برای جبران فشار قدرتی به بزرگی آمریکا با آن‌ها تعامل می‌کرد، از این مسئله‌برمانبودند. آن‌ها یا با موانع مربوط به این موضوع مواجه شده و در تعاملات با ایران به چالش می‌خوردند، یا به این سبب که ایران، جایگزینی برای آن‌ها نداشت، با خیال راحت رسیدگی به دغدغه‌ها و عمل به خواسته‌های ایران را در اولویت‌هایی پایین‌تر قرار می‌دادند. در کنار همه این‌ها، فقدان خط‌تماس مستقیم بین دو پایتخت هم خود مسئله‌ای بوده که مدیریت وقایع را سخت‌تر کرده است. حکومتی تازه در ایران بر پا شده بود و با ماجرای تسخیر سفارت که کمتر از یک سال پس از انقلاب کلید خورد و بیش از یک سال به طول انجامید، مواجه شد. در نتیجه به طور طبیعی از همان ابتدایی از دو قدرت بزرگ وقت در جهان کمر به خصوصت با ایران بست و خیال دیگر قدرت رقیب، یعنی اتحاد جماهیر شوروی را، از نبود وجود روند توافزی در سیاست خارجی ایران راحت کرد.

اعراب خاورمیانه، چندین بار مستقیم با اسرائیل جنگیده بودند و بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی یکی دوتای آن‌ها همچنان در اشغال اسرائیل بود اما در طول دهه‌ها، ادراک تهدید در خاورمیانه چنان تغییر کرد که برای مدتی تا همین اواخر، اعراب منطقه به جای اسرائیل، ایران را در صدر فهرست ادراک تهدید خود قرار دادند و حتی در تقابل با ایران به اسرائیل نزدیک شدند. به‌طور خلاصه، می‌توان به راحتی ادعا کرد ایران پس از تسخیر سفارت، هرگز وضعیتی عادی در تعامل با دیگر کشورهای دنیا نداشت و همواره مجبور بوده تحت فشار گسترده ایالات متحده، به روش‌های غیررسمی، تعاملات غیردولتی، معاملات و شرآکت‌های محدود و لغزان، بحران‌های تکراری، سودهای کمتر، هزینه‌های بیشتر و چالش‌های همیشگی، عملاً عادت کند.

در روایت‌ها از عملکرد دولت‌ها چنین چیزی مشهود است؛ به عنوان مثال، صرف تماس با ریاض، همواره از سوی حامیان اکبر هاشمی‌فسنجانی به عنوان برگ برنده‌ای مهم ذکر می‌شود؛ در میان دستوردهای مهم دولت‌سیدمحمد خاتمی در حوزه سیاست خارجی، به این اشاره می‌شود که در زمان او، مقامات ارشد ایرانی با مقامات کشورهایی مثل فرانسه و ایتالیا، دیدار و گفت‌وگو می‌داشتند. دولت محمود احمدی‌نژاد مفتخر شد کشورهای دیگری در دنیا بیاید که بشود با آن‌ها رابطه برقرار کرد، حتی اگر این کشورها خود در وضعیتی بدتر از ایران بودند. دولت حسن

سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۹۲۳
www.hammihanonline.ir

روحانی، هنوز که هنوز است به کلیدزدن فرایندی افتخار می‌کند که می‌توانست پس از سال‌ها، وضعیتی شبه‌عادی برای ایران برقرار کند، حتی اگر در نهایت این کار محقق نشده باشد. دولت ابراهیم رئیسی، تعامل با کشورهایی که رابطه با آن‌ها از قبل برقرار بود و بنا بود خوب هم باشد، می‌باید. وضعیت دولت مسعود پزشکیان هم پیش روی ماست. این‌ها فهرست دستاوردهای سیاست خارجی ایران است. درحالی‌که اگر در شرایط عادی می‌بودیم، ایران با مزیت‌های انبوه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، تاریخی و جمعیتی می‌توانست به دستاوردهای بسیار بزرگ‌تر دست یابد.

انتقام از کارتر

در این میان، یک بخش از موضوع، شاید عجیب‌ترین و در عین حال گویاترین تصمیم در رابطه با ماجرای تسخیر باشد. رسانه‌های آمریکایی، سال‌ها بعد به نقل از منابعی از جمله گری سبیک، از مشاوران شورای امنیت ملی آمریکا در دولت کارتر، مدعی شدند که کارزار انتخاباتی ریگان، با ایران توافق کرده بود، مسئله آزادی گروگان‌ها تا پایان دولت کارتر انجام نشود. گزارشی تازه در سال ۲۰۲۳، با دیگر این ماجرا را مطرح کرد و سروصدایی در ایالات متحده راه انداخت، تا جایی که حتی برخی در آمریکا مدعی شدند اعضای کارزار انتخاباتی ریگان باید به جرم خیانت به آمریکا دادگاهی شوند. بن بارنز سیاستمدار دموکرات و معاون وقت فرماندار تگزاس، به نیویورک تایمز گفته بود، او و فرماندار وقت، یعنی جان کانلی که خود کاندیدای ریاست جمهوری و بعد حامی ریگان در انتخابات و در اندیشه کسب سمتی در دولت او بود، در سفری به خاورمیانه، از طریق کشورهای عربی به ایران پیام داده بود که وقتی ریگان پیروز انتخابات و رئیس‌جمهور شود، ایران توافق بهتری ریگان خواهد کرد. او در بازگشت به آمریکا گزارش این ارسال پیام را به ویلیام کیسی، رئیس ستاد انتخاباتی ریگان نیز داد. نیویورک تایمز نیز در بررسی توانست اطمینان حاصل کند که بن بارنز، بعد از این همه سال، دروغ نگفته است، بلکه دیگری هم از ماجرا خبر داشته‌اند و سفر به خاورمیانه، ارتباط آن‌ها با ستاد ریگان و دیدار با کیسی نیز واقعاً رخ داده است.

اصل وقوع ماجرای تسخیر سفارت، ناکامی عملیات نظامی آمریکا برای نجات گروگان‌ها، مقاومت‌های کارتر در مقابل درخواست‌ها برای حمله نظامی به ایران و نیز طولانی‌شدن داستان، به اندازه کافی به کارزار کارتر آسیب زده و در کنار مسائل دیگر، موجب شده بود کارتر وضعیت بغرنجی در انتخابات داشته باشد. امید حامیان کارتر این بود که حل‌وفصل پرونده و آزادی گروگان‌ها بتواند برگ برنده ستاد او در ماه‌های آخر شود و رئیس‌جمهور را از شکست نجات دهد اما ایران چند هفته دیگر نیز برای آزادی دیپلمات‌های آمریکایی صبر کرد و ریگان به راحتی، جیمی کارتر، رئیس‌جمهور دموکرات را شکست داد. نشانه بدیهی این ماجرا، زمان آزادی است: نهایی‌شدن توافق و اعلام آزادی گروگان‌ها، روز ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱، ساعتی و بلکه دقایقی پس از سخنرانی سوگند ریاست‌جمهوری ریگان رخ داد. عقل متعارف می‌گوید که بعد از ماه‌ها ناکامی کارتر در مذاکره با ایران، ریگان در فاصله‌ای که حداکثر فرصت یک تماس تلفنی چند دقیقه‌ای داشته، ناگهان همه را قانع کرده بود. ایران به تصمیم و توافق رسیده بود و مشخصاً قرار شده بود، وقتی کارتر رسماً از ریاست‌جمهوری رفت و نفر بعدی به جای او نشست، کار انجام شود.

اینکه چرا ایران باید تصمیم بگیرد کارتر در انتخابات شکست بخورد و ریگان پیروز شود، هنوز به طور شفاف مشخص نیست؟ هنوز معلوم نیست چه محاسبه منفاعی انجام شده که ایران به این شکل در انتخابات ایالات متحده به نفع یکی و به ضرر دیگری نقش آفرینی کند؟ نگاهی به عملکرد دولت ریگان، تأثیرات گسترده‌ای که دولت او در آمریکای پس از خود گذاشت، کسانی که با آمدن ریگان سربرآوردند و پروژه‌های سیاست خارجی و خاورمیانه که پس از کارتر رها شدند، حاکی از این است که در نهایت، نه ایران و نه خاورمیانه، از این تغییر سودی نکردند؛ بلکه می‌توان ادعا کرد این تغییر رئیس‌جمهور در آمریکا، بسیار به ایران ضربه زد. گرچه مشخص نیست که آیا مقاماتی که پرونده را در دست داشتند، به چنین مسائلی اندیشیده بودند اما می‌توان گمانه‌زنی کرد که کارتر در ذهن این مقامات، به عنوان آخرین رئیس‌جمهور آمریکا در زمان شاه مخلوع، با این روش از ایران ضربه می‌خورد و به نوعی مجازات می‌شود. در هر صورت روابط میان ایران و آمریکا هرگز به طور کامل، از وضعیتی که از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در آن قرار گرفت، خارج نشد. دولت در پی دولت، در این مسیر به بن‌بست خوردند. هنوز هم خیلی‌ها امیدوارند که شاید بشود اما در چشم‌انداز کوتاه‌مدت، نقطه روشن چندانی دیده نمی‌شود.

دیپلمات‌ها



در عمان پیامی منتقل نشد

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «در خصوص مباحث مرتبط با مذاکرات باید گفت برخی اظهارنظرها در این زمینه دقیق نبوده است، پرسش اصلی این بود که آیا در جریان سفر آقای روانچی به عمان، پیامی رسمی از سوی طرف آمریکایی از طریق عمان به ایران منتقل شده است؟ خیر، هیچ پیام رسمی در این خصوص وجود نداشته است.» وی تأکید کرد: «البته همان‌طور که رایج و متعارف است، واسطه‌های مختلف همچنان تلاش‌هایی برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها انجام می‌دهند و پیام‌هایی ردوبدل می‌شود، اما این موضوع به هیچ وجه به معنای آغاز فرآیند مذاکره میان ایران و آمریکا نیست.»



آماده کمک به حل‌وفصل مسئله ایرانیم

میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین اظهار داشت: «در حال حاضر هیچ‌کس تصویر کاملی از چگونگی اجرایی نظارت بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران ندارد. تنها چیزی که مشخص است، این است که دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از سال ۲۰۱۵ مطرح بوده، باید با توجه به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد از دستور کار آن حذف شود.» اولیانوف یادآوری کرد که این قطعنامه منقضی شده است. بر این اساس، شورای حکام تنها در چارچوب توافق پادمان‌های ایران با آژانس می‌تواند بحث کند. دیپلمات ارشد روس افزود: «اما در هر صورت، همان‌طور که می‌دانیم، انتظار می‌رود که تهران به‌رغم گمانه‌زنی‌های متعدد در این مورد، قصد دارد مشارکت خود را در این پی‌تی حفظ کند.» اولیانوف تصریح کرد: «روسیه آماده است تا حل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را به طور کامل تسهیل کند، اما قبل از شروع هرگونه نوآوری، بررسی و ارزیابی دقیق وضعیت فملی ضروری به نظر می‌رسد. اقدامات عجولانه در این رابطه نامناسب هستند.»



خواهان توافقی ایران و آمریکایم

نخست‌وزیر قطر بر ضرورت واقف میان ایران و آمریکا تأکید کرد. «احمدبن عبدالرحمن آل ثانی» در گفت‌وگو با سنی‌ان درباره انتقادات نسبت به روابط دوحه با تهران تصریح کرد: «ایران همسایه ماست و تنها چند صد کیلومتر با ما فاصله دارد. ما بزرگ‌ترین میدان گازی جهان را با ایران شریک هستیم. ایران در منطقه ما قرار دارد و ما باید با آنها تعامل داشته باشیم.» وی اظهار داشت: «به‌طور قطع خواهان رقابت تسلیحاتی در منطقه نیستیم. رقابت هسته‌ای در منطقه نمی‌خواهیم و به همین دلیل همواره از دیپلماسی حمایت کرده و خواهان آن هستیم که ایران و ایالات متحده به توافق دست یابند و برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد تا تضمین شود که فعالیت‌های آن صلح‌آمیز است.» آل ثانی خاطرنشان کرد: «این مسئولیت ماست و به همین دلیل، قطر برای حل این مسئله تلاش می‌کند و آماده است تا به آن کمک کند.»

آگهی مفقودی

برگ سبز (شناسه مالکیت) خودرو وانت سیستم پیکان تیب ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۶ به رنگ سفید -روغنی دارای شماره پلاک ۸۷- ۶۳۲ ب ۸۳ و به شماره موتور ۱۱۵۱۷۶۰۸۷۹۰ و شماره شاسی ۰۰۵۷۶۹۱۸۳۳۹ به مالکیت هاشم مرتضائی دنبلی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شیروان شناسه آگهی: ۲۰۴۱۴۹۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۹۴۱۰ کلاسه ۱۴۰۵۰۵۲۸۰/۱۴۰۴۱۴۴۷۱/۱۴۰۵۰۵۲۸۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل الهی شیروان به شماره شناسنامه ۱۵۴۰۵ که دملی ۰۸۲۸۸۸۱۴۶۰ صادره شیروان فرزند حسین در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۷/۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳ اصلی ناحیه ۳ شیروان بخش ۵ قوچان حوزه ثبت ملک شیروان از محل مالکیت قاسم قاسمیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ رونوشت: -اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شیروان جهت انتشار آگهی

محمد زارعی - رئیس ثبت اسناد و املاک